

جلسه چهارم  
یونک برائت نام تحلیل

یونک برائت نام سه سطح تقسیم می کند

۱- ناهیا شخصی

۲- ناهیا جمعی

۱- ناهیا یونک نام سه سطح تقسیم می کند که ما به آن آگاهیم و آنرا محدود شخصیت نمیدانیم یونک معتقد به عدم چهره انبیا و ادره و انبیا کائنات چیزی که نگوییم و در ناهیا هست چون در ناهیا بماند و هم ناهیا در محدود تر باشد و نامی روان به قرار هست پس ناهیا شامل اندک ها و افکار که خود انبیا تجربه می کند

۲- ناهیا مرکز ناهیا است و مرکز شخصیت نیست

خود جامع تر است و مرکز اصلی شخصیت به شمار می آید

۳- ناهیا از حد ناهیا می کنند با ناهیا عدم تعادل روانی است

۴- ناهیا شخصی تعادل ها، افعال، خاطرات و تصوراتی که ما سرگوب کردیم و الان به آن آگاه نیستیم و محتویات ناهیا شخصی را عقده نامید عقده ها از نظر یونک

حال و هوای هیجانی دارد عقده ها گاهی به سطح ناهیا می آیند و رفتار فرد را شکل می دهند

طرح ما کلمه دارد و این کلمه نوعی اضطراب به ما دست می دهد و این کلمه وارد مکانی می شود

احساس می کنیم مضطرب هستیم یونک میگوید این اضطراب تفسیر و علت دارد شامل ناهیا

شخصی که کلمه دارد یا آن مکان در تفسیر حالت ایجاد کرده و ناهیا و هم چهره و این کلمه را می بینیم

مجموعه ناهیا حس و حال آن را می بینیم و دلایلش را می بینیم و متوجه می شویم که ناهیا و محتویات

ناهی شخصیت و ناهیا ناهیا شخصی به ناهیا و ناهیا شخصی متفاوت

۳- ناهیا جمعیه: یونیک مکتب ناهیا جمعیه جان چیزهایی هستند که به ما به ارث رسیده این

از نسل به نسل میرسد تجربیات نیاکان ما که همان موهبت پدیده آبی مزبور هست به آن  
مفهوم که از نیاکان ما، در ذهن ما نقش بسته به از زمان گذشتن مثلا به یک سر هفتین  
قرون ۲ آن کسی که برای ما نقش بحیات دهنده راسته.

سین ناهیا جمعیه و خلاف ناهیا شخصی از تجربه شخصی حاصل نمیگردد و بلکه در تاریخ دیرینه  
بسیار دیر که شامل نیاکان، اسطوره ها، افسانه ها است که در هم فرزند هاست.

مثل واکش قبوعی مادر جوان به نوزادش، یا مجذوب شدن مردم مجذوب برای اولین بار به  
ناشی از ناهیا جمعیه و آگاهی زستی انسان است. ناهیا جمعیه با تجربه فرد فعال میسر و

آگاهی زستی را در بوقت های زندگی به نمایش میگذارد.

یونیک به محتویات ناهیا جمعیه مکتب کهن آلهوها

کهن آلهوها: آلهوهای فکری و فرهنگی مشترک که از زمان قدیم انسان ها را اولی و مورد راسته

است کهن آلهوها مساب عقده ها هستند و عمومی و جهانی هستند نه فردی. کهن آلهوها

با آئین ها و هیجانات مرتبط هستند و می تواند بر عقل بشری شخصیت تأثیر بگذارد.

تأثیر کهن آلهوها با عقده ها و غریزه ها: عقده ها به ناهیا شخصی و تجربه فردی و هیجانات فردی هستند

کهن آلهوها به ناهیا جمعیه، تجربه جهانی و مشترک، فعال

در رویاها و تخیلات

غریزه ها: نگاه های فنی و لولایک برای عمل کردن

یونک عقده کهن الگوها چندان روانی ندارند و در نهایت روانی و فرهنگی دارند.

در کهن الگوها هم باید زبانی دارند اما از تجربیات فکر و بیان شکل گرفته اند

که فعال کردن کهن الگو با تجربه شخصی فرد اتفاق می افتد.

خود کهن الگوها مستقیماً بیان نمی شوند از طریق <sup>روایاها</sup> ~~تجربیات~~ <sup>ابر از فرزند</sup> ~~هذهان~~

حالا کهن الگوها انواع دارند که:

برجسته ترین کهن الگوها <sup>م</sup> ~~پرسونا~~

سایه

آنیما و آنیموس

مادر

پسر فرزانه

قهرمان

خود self

در پرسونا ما نقش هایی که در اجتماع داریم با آنچه که هستیم در تضاد است. نقش های

ماء در اجتماع بعد نقاب در صحنه عامی بود. وقتی دانشگاه هستیم نقش دانشجو، وقتی

خانه هستیم نقش عضوی از خانواده، وقتی سر کار می رویم نقش کارمند. از صبح تا شب بدام

در نقش های مختلفیم و انگار نقاب به چهره من نزدیک. آن خلی در پرسونا، خود من غرق بوم

یعنی توان نفسی که بر محوره رفتیم غرق شویم از خود واقعی در می شویم **فلا الله غرق در**  
نفس فرزندان یا مادر یا دوست یا کارمند شویم برای به دست آوردن ناپدید شدن که در  
از خود واقعی ام دور می شویم پس، خواسته ها و نیازها را خودم می بینم؟  
بنابراین من نباید پرسونا را با خود واقعی اشتباه گرفت همانند ساز که فراطی با پرسونا  
باعث از دست رفتن خودشناسی و وابستگی به جابعم می شود و نمی توانیم به **خود واقعی** برسیم.  
مثل دانش آموزی که در مدرسه شانم و دانشان می دهد ولی در خانه نمی خواند.

۲- **سایه کهن الگوی پیرایه**. شامل ویژگی های منفی شخصیت می شود آن ویژگی هایی که ما  
دوستش نداریم و نمی پذیریم، بلکه سعی می کنیم آنهارا از خودمان دور کنیم یا بپوشانیم.  
یونگ می گوید ما این ها را فرافکنی می کنیم به هر ویژگی که به دیگران نسبت می دهیم خودی.  
چون نمی توانیم در خودم بپذیریم پس، نسبت می دهیم به دیگران. ریشه یکی از نشانه های شخصیت  
سالم اینست که ویژگی های منفی شخصیت خود را در **ریشه تیره شخصیت خود را** بپذیریم و قبول  
کنیم و بپذیریم. یونگ معتقد بود برای اینکه کامل شویم باید هوا را ببلعیم و خود را بشناسیم و این حتی  
اولین آزمون شخصیت ما است. اولین آزمون شخصیت ما رو به رو شدن با سایه خود است.  
مثل چشم یا حسادت که بگوید که در فکرهای غیر منتظره ظاهر می شود.

### ۳- **آنیفا و آنیفوس**

**آنیفا** به جنبه زنانه در مرد است. **آنیفا** بُعد احساسی و زنانه در مردان است. افراد از لحاظ  
روانشناختی (و جنسیتی) هستند هم بُعد زنانه دارند هم بُعد مردانه. وی مردها معمولاً بُعد زنانه می خورند

برگوب می کنند و آنها را می کنند چرا؟ به خاطر شرایط فرهنگی که در آن تربیت مردم به طریقی  
برگوب می کنند. پس آیه جنب زنانه در مرد است و در احساسات و خلق تأثیرگذار است  
یونک مدت کوتاهی بعد از قطع رابطه با فرزند، در جریان کاوش روان ناهیه خودش  
برای اولین بار با آیه های خودش مواجه شد. فرزند آینه اندک آینه **روشن از یونک** بود

**آیندوس - ۳** غاد تفکر و استدلال و منطق است در زن ها. یونک تمام اینها را اینوس درست  
رشد پیدا کرده با به و تعامل پیدا کرده با به زن ها ریشه بین از جد و است و شکسته و احساسی  
نیست. یعنی در عین حال که احساسی هست به هم می تواند عاقلانه فکر کنند و تصمیم بگیرند و  
در احساس غالب به نیستیم. پس آینه و جنب مردانه در زن است و به تفکر و استدلال  
تأثیرگذار است. آگاهی از آیه و آیندوس برای **تعادل روانی** ضروری است.

**۴- مادر** یونک مادری داشت که در شخصیتی بوده که خاص مادر بهرمان و با محبت می ردم و  
خاص همان مادر بهر جسم و بد اخلاق بوده. یونک تمام مادر که گفتن القوی هست که برای ما  
معنا محبت، مراقبت، دوست داشتن، مداره و به یک بعد دیگرش هم به جسم بوده. بنابراین  
مادر بهر دو نیروی متضاد است **به باروری و تغذیه** از یک سو به مادر قادر تولید و نگهداری کنه  
**ک قدرت و تخریب** از سوی دیگر. این سو به هم می تواند می تواند می تواند می تواند  
نابود کنه یا از او غفلت کنه.

اینکه با بر روی مادر تولید به باعث می شود چون مادر بهر یکوفایی بهر به و مادر در حضور و غیبت بهر به  
ما به و آیه های اخلاقی مثل احسان قان و وسایل آینه ای است. بعد قهر بی مادر به مادر خدا  
مادر زمین، مادر طبیعت، زن با یا، محفزه (ساره) قلمداد می شود. باروری و قدرت با هم ترکیب می شود  
تا به هم تولید دوباره را به و بهر که تولید دوباره در فرزند های مثل **تغذیه و نگهداری** می شود.

سین مادر نهاد باروری تقدیم و قدرت است

می تواند **مسبب** (مراقبت) باشد یا **منفی** (تخریب) باشد. مادر بهرمان و تقدیم کننده یا مادر ترشاک و مهار کننده.

۵- **پیروفرزانه** فخر خرد و دانش است. **تلمیذ** مرتقی به فیلسوف و معلم، مرشد و پادشاه.

پیروفرزانه یک **سبک** زندگی متفاوتی است **سبک زندگی فردمندانه**.

کهن **الکوا** پیروفرزانه در رویاها با عناوین پدر، پدربزرگ، معلم، دکتر یا **کسیل شخصیت** پیدا می کند و در افسانه ها به عنوان پادشاه، آدم فرزانه یا جادوگر که به کمک آنرا فانی ترقتا سرور و از طریق عقل برتریم او را می کند تا از بدبختی خود نجات پیدا کند. کهن الکوا پیروفرزانه فخرزنده هم هست به افرادی که وطن خود را ترک کرده، دنیا را می گردند و بخت ها و مسقّت های زندگی را تجربه کرده و سرانجام به **عقل و خرد** می رسند. هم می تواند **مسبب** هم **مهار** کننده باشد به **مبلغان فریبده** نمونه متقی آن هستند.

۶- **قهرمان** به عنوان کسی که نیروی اهریمنی را خنثی می دهد به عنوان فرزندان دهنده می شناسیم. عزیزی که به ظلم و تاراج و سرکشی پیروز می شود. عزیزی که با وجود اینکه عزیزی نقم آسیب پذیر را با زهم می چسبند تا آدم ها را خنثی دهد. آنجا که ایثار و قربان دهنده میسری او را با کهن الکوا قهرمانی تدفین کرده و او را که خود را به خطر می اندازد.

قهرمان نهاد **تجارت** و **مقاله** **باز** **بشر** است. دارا **ضعف** و آسیب پذیری هم هست. با مسکلات می چسبند و سرکشی **راشانی** می دهد.

۱ - خود (self) ترس فطری به سوی کامل و رشد و بهتر شدن. از هم کهن الگوها جامع تر است. «خود» وقتی رشد میکند فرد را به یکپارچگی می رساند، شخصیت را انجام می دهد و از **نادر ماندالا** که نادر یکپارچگی و وحدت است برای خود استفاده می کند و می تواند فرد را به هم خود شکوفایی و **تفرد** می رسد که با سایر خودش در برآمده باشد. با آینه و آئینوس خودش در برآمده باشد و بتواند خود را آئینس را بشناسد

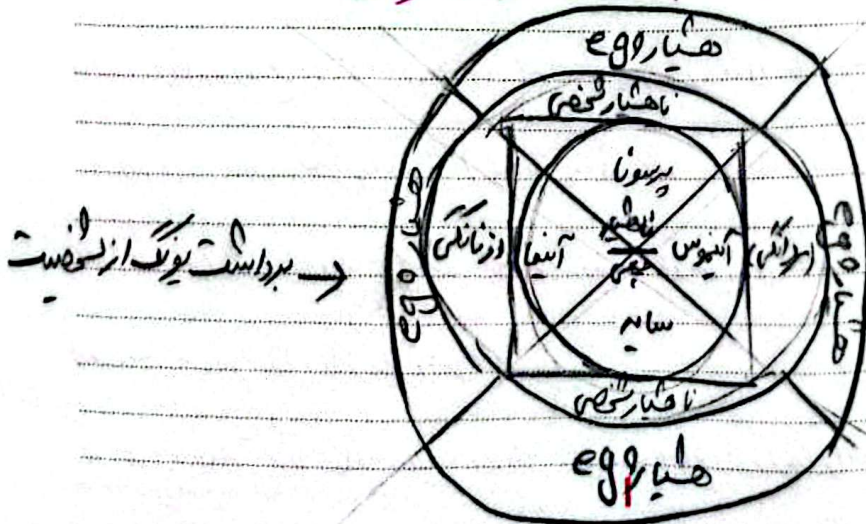
سپس جامع ترین کهن الگو خود (self) است شامل هم کهن الگوها و دیگر است که **نادر وحدت، تعادل و خود شکوفایی** است. در رویاها و ماندالاها نمایان می شود. **(( ماندالا به صورت یک دایره داخل مربع، مربع داخل دایره یا هر شکل هم می تواند نشانی داده می شود ))**

خود محکم کامل نیست، ولی به عنوان **آوان روانی** وجود دارد.

برای خود شکوفایی باید ۱- با سایر مواج شویم

۲- آگاهی از پرسونا و اکتساب از هماهنگ سازی با فرای

۳- روبرو شدن با آئینا / آئینوس



بگویم فلا هم به خود ذهن هاید و ناهید را از دل میله و عناصر صفت در روان هم  
نیوهای تیره مرانه و زنانه (رضیه و سر) (روشنی و تاریکی) را یک پریم میانه که این عناصر صفت  
به وسیله **بانگ وین** نشان داده می شود. خود شکوفایی کامل به قدرت کسب می شود. اما به  
صورت یک آفران در ناهید بعضی حرکتی وجود دارد. برای اسلم افراد به خود شکوفایی می رسند  
باید بر ترس خود از ناهید چیره بشن. اجازه ندهند بر سرنا به شخصیت آنها تسلط پیدا کند  
و جنبه بنیه خودشان را به (برای) ابراهیم بن بدن و بعد از آن به آتش با آتش و آتش خود  
رو برو شوند.

پوشش های شخصیت  
علیت و غایت شناسی  
پیش روی و پس روی

فقه بر آلتی نور و شکل میداد

**علیت** به رفتارهای آلتی بر لبه در نیت دارد. آنچه که آلتی هستیم هر چه در نیت اتفاق افتاد که  
**غایت** به رفتارهای آلتی بر لبه در آینده دارد. اهدافی که برای آینده داریم. هر اهدافی که برای  
آینده به آن فکر می کنیم رفتار آلتی ما را شکل میدهد.  
**علیت و غایت** هر دو ضد هم هستند.

**علیت** رفتار و وقایع از **تجربیات گذشته** بر لبه می شود. مثلاً تأثیر تربیت و کودکی بر رفتار بزرگسالی  
مفروضه بر لبه **تکرار است** اما **توانست** میگوید **علیت** تنها **کاف** نیست.

**علیت شناسی** رفتار و وقایع به سمت **اهداف** آینده هدایت می شوند. مثلاً رویاهایی که انجام میدهی  
انتخاب مسیر شغلی یا زندگی خود می شوند.

آدر به **غایت شناسی** اهمیت میدهد. **یونگ** تأکید دارد رفتار انسان هم به نیت و هم به  
روز عرفه (روز نیایش) - روز ادبیات کودکان و نوجوانان  
عید سعید قربان (تعطیل)  
اهداف آینده مرتبط است.

تقابل علیّت و غایت <sup>۱</sup> هم یونیک معتقد بود برای فهم رفتار انسان باید علیّت و غایت <sup>۲</sup> باشد

با هم متقابل شوند تا یک یونیک بر تعادل و در سیر است و از رویاها دیده می شود

تحلیل رویاها هم بر سر وقایع گذشته + کمک به تصمیم گیری آینده

روای یک دانشمند درباره کشف علمی هم انجام بخش تحقیقات آینده آدمی شود

سین هم به نظر یونیک شخصیت کامل <sup>۱</sup> هست و رفتار انسان هم <sup>۲</sup> تحت تاثیر تجربیات گذشته

اهداف و آرزوهای آینده <sup>۱</sup> تحت تاثیر <sup>۲</sup> اهداف و آرزوهای گذشته

تحلیل می کند <sup>۱</sup> تحت تاثیر <sup>۲</sup> اهداف و آرزوهای گذشته

تحت تاثیر <sup>۱</sup> تحت تاثیر <sup>۲</sup> اهداف و آرزوهای گذشته

تحت تاثیر <sup>۱</sup> تحت تاثیر <sup>۲</sup> اهداف و آرزوهای گذشته

یونیک معتقد بود تحلیل رفتارها و رویاها ملقوم به هر دو جنبه علیّت و غایت انجام شود

جسین روی <sup>۱</sup> جسین روی <sup>۲</sup> جسین روی

جسین روی <sup>۱</sup> جسین روی <sup>۲</sup> جسین روی

جسین روی <sup>۱</sup> جسین روی <sup>۲</sup> جسین روی

جسین روی <sup>۱</sup> جسین روی <sup>۲</sup> جسین روی

جسین روی <sup>۱</sup> جسین روی <sup>۲</sup> جسین روی

جسین روی <sup>۱</sup> جسین روی <sup>۲</sup> جسین روی

جسین روی <sup>۱</sup> جسین روی <sup>۲</sup> جسین روی

دنیا بیرون باید باز آن هم شخصیت است که نخواهد به گوفایی برسد چون  
به وقتایی نیاز داریم با خودمون خلوت کنیم و درون خودمون باشیم و به وقتایی نیاز داریم  
با دیگران معاشرت کنیم و ارتباط بگیریم. هر دو برای رشد فایده دار است لازم هست هیچ کدام  
به تنهایی کافی نیست

پس یونگ میگوید برای رسیدن به خود گوفایی <sup>باید</sup> **دنیا درون** و **دنیا بیرون** سازگار شود.

**پیش روی** = جریان انرژی روانی به سمت دنیا بیرون است. **تجربه های درونی** = فرد را تسویق میکنند و انگشت

مناسب و غلط نسبت به شرایط اجتماعی و محیطی

**پس روی** = جریان انرژی روانی به سمت **دنیا درون** است باعث می شود با ناهای و  
تجربه های درونی خود عوام هم و مسائل درونی را حل کند.

فقط پیش روی باعث رشد واقع، تمرکز روی محیط بیرون، افعالی بیرونی با  
وابستگی به محیط **اهمیت تعادل**

فقط پس روی باعث نقص واقع، تمرکز روی محیط درون و انزاد شدن  
دستاوردهای بیرونی مثل بحران میان سالگی یونگ

\* **تعادل پیش روی و پس روی** باعث رشد شخصیت سالم و تعادل می شود.

**فصل تاریخی یونگ** = در بحران میان سالگی، پیش تنبیه درون خود (پس روی) پذیرافت و  
جای درونی از دستاوردهای بیرونی فاصله گرفت. آن پس از آن با تعادل دوباره به دنیا بیرون بازگشت

تپ های شخصیتی و یونگ غیر از سطح روان و پوشش های شخصیت خند تپ روان شناختی  
 شخص کرده از وحدت دو نقش اساسی - درون نرایی و چهار کاره خطرناک - تفکر  
 حاصل می شود.

همه ترکیبی از این نقش ها و عملکردها است اما یکی غالب و دیگری معمولاً ناخودآگاه

درون نرایی - جریان انرژی روانی است. درون و دنیای شخص است. افراد درون نرایی  
 با دنیای درون هماهنگی، رؤیاها، تخیلات و برداشته ها سون شخصیت. خیال پردازی  
 درون نرایی ها خنثی زیاده به مثلاً یونگ بحران میانسانی اش که انرژی خود را از جستجو درونی  
 نهاییش صرف کرد تا مدت ها از فعالیت های بیرونی فاصله گرفت.

بیرون نرایی - جریان انرژی روانی است. افراد بیرون نرایی  
 با دنیای بیرون و واقعیات محیطی هماهنگی. تمرکز بیشتر بر فعالیت ها، روابط اجتماعی  
 دارند. مثلاً شخصیت کورکی او که به دنیای بیرون توجه داشت و به فعالیت های  
 عملی مشغول بود.

\* هیچ فردی کاملاً درون نرایی یا بیرون نرایی نیست. تقادیل میان دو نقش نشان دهنده سلامت  
 روان و رشد شخصیت است. درون نرایی بیرون نرایی از خود به تمرکز بر دنیای ذهنی و فاصله از واقعیت بیرونی  
 بیرون نرایی بیرون نرایی از خود به تمرکز بر محیط و احتمال غفلت از رشد درونی  
 یونگ نظریه خودش را متعادل می دانست هم بیرون نرایی و هم درون نرایی را پوشش می ده و به

تفکر بر اساس گذرش درون تئوری و بیرون تئوری چهار تا کار در ذهن کرد  
تفکر احساس حسن کردن شعور

مدله ها می توانیم متفکر درون تئوری بیرون تئوری

یا احساس درون تئوری بیرون تئوری یا درون تئوری حس و بیرون تئوری حس یا درون تئوری حس و بیرون تئوری حس

تفکر فاعلی عقلانی و منطقی ذهن است که یک سری افکار را تولید می کند که نوع تفکر است  
گذرش افراد می تواند بیرون تئوری باشد یا درون تئوری باشد متفکر درون تئوری مثل مخترعان و فلاسفه  
متفکر بیرون تئوری مثل محاسبان و حسابداران

احساس هم ارزشی که فرد برای خودش قابل مسیم همان احساس ارزشمند است  
احساس درون تئوری ارزشی که آنجا احساس بر است های ذهنی و شخصی است و آرام و اسرار آمیز هست  
احساس بیرون تئوری ارزشی که بیرون تئوری اجتماعی استفاده میکنن قابل اعتقاد هست اما ظاهر و مصنوعی هست

حسن کردن کسی که بر اساس حواس بیجان فوری عمل می کنه مثل افرادی که بهر کارهای هنری میرن حواس بیجان آن ها خلیه قوی است  
درون تئوری حس تکرر به اندک ذهنی دارن مثل نقاش پرتو ذهنی یا موسیقی دان کلاسیک  
بیرون تئوری حس تکرر به محرک های بیرونی دارن مثل مضرب یا کارگر فنی یا موسیقی دان عامیانه

**نکته** درک کردن فراتر از هوئیاری. افرادی که با آنان خودشون درک ملتی افراد

خلاقیت حسن مثل پامبران، فیلسوفان، چینهایی درک ملتی که باید برای دیگران قابل درک

نابلس. درون برای خودی به دریافت قوی و ذهنی و ماضی غیر قابل فهم برای دیگران مثل عرفا، پامبران

بیرون برای خودی به دریافت ضعیف تر و تمرکز بر حل مسائل عینی مثل مختبر

فرد برای رسیدن به خود شکوفایی هر چهار تایی این کار کرد را باید پرورش دهد.

آشوب گرایی

فردا نروایی

دو کانه گرایی

گورگی

جوانی

میائینایی

سیری

مراحل رشد از نظریونیک

تاکید یونیک در مراحل رشد دوره میائینایی است.

مفهوم رشد شخصیت از نظریونیک یونیک معتقد بود شخصیت مراحل شخصی را طی می کند تا

به تفرد یا **خودشکوفایی** برسد. برخلاف فروید، تمرکز یونیک بر **دوم زندگی** بعد از خود

سازگاری است دوره ای که فرد به فرصت بازنگری در جنبه های مختلف شخصیت را دارد

گور رسیدن به خود شکوفایی

کودکی - یوت دوره کودکی را به سه مرحله **آسوب نرایی** / **افزایش نرایی** / **دوگانه نرایی** تقسیم می کنند

**مرحله آسوب نرایی** ماهی ها تا آلفه و پراکنده شخص می شود

**مرحله افزایش نرایی** کودکی با رشد آلفه و شروع تفکر منطقی و **فکله** شخص می شود. در این دوره کودکان

خودشان را به صورت عینی در نظر می بینند و اغلب به عنوان شخص دوم به خودشان اشاره می کنند.

**مرحله دوگانه نرایی** آلفه به صورت **دک** شده پدیدار می شود. آلفه به **عینی و ذهنی** تقسیم می شود

آلفه کودکان به عنوان شخص اول به خودشان نگاه می کنند.

**جوانی** - دوره بلوغ تا اواسط زندگی جوانی نامیده می شود. جوانان تلاش می کنند استقلال جسمی از

والدین کسب کنند، همسری پیدا کنند، خانواده تشکیل دهند. جوانی دوره افزایش فعالیت،

تجنگ جسمی، افزایش هلیه است. مسئول اصلی که جوانان با آن مواجه می شوند رابطه بین

مطلوب در میان هم و پیری هم وجود دارد. **چ** چیدن هم ارزش های دوران کودکی و

فراز مسئولیت و مسئولیت های دوران جوانی است که این تأمل به زندگی کردن در گذشته

**اصلی محاطه کار** نامیده می شود. ملّا به به جوانی می بیند و در آن **بزرگ** می شود، باید برای آینده است

یک برنامه داشته باشد چرا که هیچ رفتار نمی کند؟ چرا تفکرات بچگانه است. تو باید برای

زندگی فعالیت های جدید انتخاب کنی. خنده ها قبول کردن این مسئولیت ها به عنوان

اضطراب دیده و طبق اصل محاطه کار می بین به روان کودکی، یعنی وارونه دارن

عمل میکنی، کارهایی که میکنی مناسب سنشون نیست.

**میانسناسی** تقریباً در ۳۱ یا ۳۲ سالگی شروع می شود. در دوره میانسناسی افت عملکرد داریم. درگیر یک سری بیماری های دوران میانسناسی می شویم. نثرانی وجود دارد. با وجود هم انتخاب ما می توانیم از میان سال های خود لذت ببریم ولی اگر بخواد بچه به فعالیت های دوران جوانی بگذراند آن انرژی ها و توان دوران جوانی را از دست می دهد. اینجاست فشار قرار می گیریم. (بعضی میان سال ها رفتارها شون به سنشون نمی خوره) و تعادل روانی هم می ریزه، خرد باید رنگین کنه وارد میانسناسی شده و یک سری کارها را نباید انجام بده و یک سری کارها را باید انجام بده.

پس **مطمئن میانسناسی** ← حطم استوار فوق العاده

نیاز به برها کردن آردان های جوانی و یافتن معنای تازه

تعادل بین دنیا های درون و بیرون

**پیری** در پیری افت هیجانی و ترس از مرگ را داریم. یونگ میگوید زندگی در سایه مرگ معنا پیدا می کنه. در دوره پیری فکر می کنه که در جوانی چه کرده که باز زندگی را فاسد بوده.

اغلب بپایان یونگ، افراد میانسناسی بپایان **جهت گیری وارونه** می بردند. آن ها فواید آن به سبک های زندگی نداشتند چسبیده بودند. یونگ به این افراد کمک می کرد با پیدا کردن معنی مرگ، هدف های تازه تعیین کنند و در زندگی معنی پیدا کنند و این کار را از طریق **تعبیر رؤیا** انجام می داد.

چون رویه های افراد را بخوره معلوم از نادرهای تولد دوباره هستند مانند رفقای طولانی

\* در مراحل رشد از پیش ها آردان های دوران کودکی برای دوره جوانی مناسب نیست و دوران جوانی برای میانسناسی مناسب نیست و دوران میانسناسی برای پیری مناسب نیست. باید در مناسب مراحل رشدش رفت و برگشت (چون **جهت گیری وارونه** می شویم) \*

خود شکوفایی تولد دوباره روانی که خود شکوفایی یا **تغیر** نامیده می شود فرایند انسانی حاصل شدن است

خود شکوفایی فرایند یکپارچه کردن قطب های متضاد در یک فرد **همگون** است .

تقابل بین درون گرایی و بیرون گرایی

ویژگی های فرد خود شکوفا — پرورش تمام چهار کارکرد روانی (تفکر، احساس، حس کردن، انگیزه)

پیشرفت و ادغام ناخود آگاه در شخصیت

استفاده از رویاها و تصورات ناخود آگاه به عنوان منابع رشد روانی

خود شکوفایی نسبتاً نادر است و عمدتاً پس از میانگین حاصل می شود.

خود شکوفایی شامل هماهنگی و تعادل کل شخصیت است.

توسعه آنگو

رشد شخصیت کامل

است .

تقابل قطب ها

یکپارچگی ناخود آگاه

مرحله میانگینی سطح هدف زندگی و رسیدن به خود شکوفایی است

خود شکوفایی = تعادل بین جهان درون و بیرون + پرورش چهار کارکرد + ادغام با ناخود آگاه

افراد که فقط به یک یا دو وسیله اداره اند و به ناخود آگاه رانندگی نمی کنند یک طرفه و ناقص رشد کرده اند

روش‌های تحقیق یونگ برای شناخت کامل انسان تنها به روان‌شناسی اکتفا نکرد و به سراغ رشته‌های دیگر رفت به جامع‌شناسی، تاریخ، انسان‌شناسی، زبانشناسی، فیزیک، زبان‌شناسی، فقه، الهیات، فلسفه و فلسفه.

یونگ معتقد بود شناخت شخصیت انسان حق انحصاری هیچ رشته‌ای نیست و برای درک فرد کامل باید از منابع مختلف استفاده کرد.

یونگ ترکیب عقل و احساس را برای مطالعه روان لازم می‌دانست.

و از مکاتبات بین رشته‌ای فلسفه و فقه و کیمیاگری و اسطوره‌شناسی بهره می‌برد و در روان‌شناسی از ابزارهایی مثل تحلیل رویا، تحلیل فعال، روان‌درمانی و آزمون تداعی و ارگان برای کشف عقده‌ها استفاده کرد.

آزمون تداعی و ارگان

یونگ آزمون تداعی و ارگان را تدریس داد و اصلاح کرد. هدف اصلی یونگ در استفاده

از آزمون تداعی و ارگان بررسی عقده‌های ناخودآگاه و روشن‌سازی هیجانی محرک‌های

وارثاتی بود.

صد واره محرک آماده می‌کرد. از فرد خواسته می‌شد اولین کلمه‌ای که به ذهنش می‌رسد را

روش اجرا

پایخ دهد.

پایخ‌های کلامی مدت زمان پایخ دهی

یونگ این مدار را بسط می‌کرد. آهنگ تنفس پایخ‌های فیزیولوژیکی

نشان‌های فعال بدن عقده‌ها به کلامی نگار کلمه‌ها توانی در تعلق، نادرته‌نشین دستور، حاضر در پایخ

کلمه فیزیولوژیکی رفتار را سرخ شدن، لکنت زبان، خنده، سرفه، آه کشیدن

سالروز عملیات افتخار آفرین مرصاد

هدف از شناسایی واکنش‌های هیجانی ناخودآگاه و تأثیر آن‌ها بر رفتار و شخصیت

**تحلیل رویا در یونگ** یونگ با فروید موافق بود که رویاها معنی دارند و باید حدی گفته شوند و همچنین موافق بود که رویاها از اعماق ناخوشایندی می آیند

**تعریف رویا از نظر یونگ** — رویاها معنا دارند و باید حدی گفته شوند.

منبع رویاها — ناخودآگاه شخصی و جمعی

ایمان معنا — به صورت ناخودآگاه (نه فقط جنسی)

فروید می گفت بیشتر رویا جنسی و کامروایی هستند.

**تفاوت تحلیل رویا از نظر فروید و یونگ** — یونگ می گفت رویاها کاملاً از ادراک مفاهیم هستند نه فقط جنسی

آنها کردن عناصر ناخودآگاه شخصی و جمعی

در تمام آن ها در خود آگاهی — که به فرد کمک می کند

رویاها عملکرد حیوانی دارند — که به او احساس های نادیده در بدن را

حیوان می کنند

**نمادها در رویاها** — نقش های الهی: مادر، پدر، خدا، قهرمان، حیوانات، خدایان، آر

تقابل خنثی — جنبه های نارس شخصیت مثل آئینا در مردان و آئینوس در زنان

دسته بندی رویاها — رویاها می توانند جمعی و معنای الهی داشته باشند

کار رویاها می توانند مشترک — شخصیت ها و رویاها می توانند

قدیمی ترین رویاها — یادآوری — می بینیم از ۳ سالگی، مثل یادآوری اسطوره ها

روایات به فردی که می‌نماید تا با ناخودآگاه خود ارتباط برقرار کند

کاربرد عملی

شناختن و تعادل تصاویر درونی

بهرت به سمت خود شکوفایی و فردگرایی

دنیای یونگ از تحلیل رویا

روایات خانه دو طبقه

طبقات بالاتر = خود آگاه

طبقه همکف = ناخود آگاه شخصی

زیر زمین = ناخود آگاه جمعی

تحلیل فعال رویی است که یونگ برای خود کاوش و درمان بسیاریان استفاده می‌کرد. فرد یک تصویر، رویا، خیال یا نماد درونی را انتخاب می‌کند و آن را مجدداً در ذهن زنده کرده و دنبال می‌کند تا شروع به حرکت و گسترش کند

روند امر

۱. با تصاویری یا نماد درونی (مثل رویا) شروع می‌شود.

۲. فرد فعالانه ابعاد و منشور آن را دنبال می‌کند.

۳. باید حرات رویا روی با تصاویری ناخود آگاه برادر شده باشد.

نوعی گفت و گو زنده با ناخود آگاه است.

هدف اصلی

آشنا کردن تصاویر و کهن الگوهای ناخود آگاه شخصی و جمعی

عبور از مقاومت‌های ذهنی و دفاع‌های ego

کک به فرآیند خود شکوفایی

نهایت تحلیل فعال نسبت به تحلیل رویا

تحلیل فعال در حالت هیپنرا انجام می‌شود. واضح تر، قابل کنترل تر، قابل بازآفرینی تر است.  
فروآساکتر منقل نسبت و فعال و آگاه در جریان روان شرکت دارد.

سبده های بیان در تحلیل فعال — تصویر ساز ذهنی

نقائس اطراف منادها / مانند الیسا راجع

حتی حرکت بدنی یا روش های غیر کلامی

هم کسانی برای تحلیل فعال فاسدینگی کسانی که می خواهند محقق یا خود آگاه شخصی و جمعی خود را بشناسند  
و با مقاومت های روانی مقابله کنند.

اهمیت ویژه زندگی تحلیل فعال در زندگی

بزند فردش تحلیل فعال را انجام داده آن را نیز تیزکنج زندگی نام نهاده و گفت:  
از آن لحظه به بعد زندگی من دیگر فقط به خودم متعلق نداشت. به ملکیت روان متعلق داشت.